

# تعهد دولت‌ها به ارائه و پذیرش کمک‌های بشردوستانه

ناصر قربان‌نیا<sup>۱</sup>

دانشیار گروه حقوق دانشگاه مفید

تاریخ دریافت: ۹۳/۰۳/۲۶

تاریخ تأیید: ۹۳/۰۶/۰۹

## چکیده

انسان‌ها نه تنها حق دارند بلکه مکلفند به انسان‌های نیازمند در هر جای دنیا کمک کنند. در زمان بروز فجایع انسانی ناشی از جنگ یا حوادث طبیعی، هر انسانی تعهد اخلاقی دارد به کمک انسان‌های نیازمند بشتابد. حوادث طبیعی متعدد که قابل پیش‌بینی و یا پیشگیری نیستند در جای جای دنیا رخ می‌دهد و انسان‌هایی را متأثر می‌سازد. افزون بر بلایای حاصل از حوادث طبیعی، جنگ‌ها و خشونت‌های متأسفانه روزافزون، حیات، سلامتی، آرامش و آسایش انسان‌هایی را بر هم می‌زند که نه تنها دخالتی در آن منازعات ندارند، بلکه از رخداد آن خرسند هم نیستند. در مواردی دولت‌های مبتلا به بحران و وضعیت اضطراری توان تأمین نیازمندی‌های ضروری مردم را ندارند یا در تأمین آن‌ها در مشقت شدید قرار دارند. در چنین وضعیتی بی‌گمان همه ملت‌ها و دولت‌ها تعهد اخلاقی دارند تا برای رفع معضلات و نجات ملت آسیب‌دیده مساعدت کنند، چنانکه دولت ناتوان اخلاقاً ملزم است کمک‌های انسان‌دوستانه را بپذیرد و شرایط رساندن آن به نیازمندان را فراهم سازد.

سخن بر سر این است که آیا این تعهد اخلاقی، چهره حقوقی نیز یافته است یا نه. بر چه پایه‌ای می‌توان این تعهد پر اهمیت اخلاقی را وارد دنیای حقوق نمود؟ آیا می‌توان بین تعهد به ارائه و تعهد به پذیرش تفکیک کرد و تنها دومی را تعهدی حقوقی به شمار آورد؟ نقش رضایت دولت نیازمند چیست؟ اگر تعهد به پذیرش را تعهدی الزام‌آور حقوقی بدانیم، ضمانت اجرای آن چیست و در صورت عدم صدور رضایت مبادرت به چه اقدامی مجاز است؟ آیا تقاضای دولت بحران‌زده و نیازمند حکم اخلاقی و حقوقی ارائه کمک را تغییر می‌دهد؟

پاسخ به پرسش‌هایی از این دست وجهه همت نگارنده در این مقاله است.

واژگان کلیدی: تعهد، حق، کمک‌های بشردوستانه، اخلاق، حقوق

## مقدمه

ارائه کمک‌های بشردوستانه از بارزترین مصداق‌های روابط دوستانه و همکاری در قلمرو جهانی محسوب می‌شود که بی‌گمان بر پایه اخلاق استوار است. در مقوله کمک‌های بشردوستانه پرسش‌های متعددی وجود دارد که پاره‌ای از آن‌ها محل بحث و گفت‌وگوست و پاسخ یکسانی به آن‌ها داده نمی‌شود؛ اما در این میان پاسخ به یک پرسش قاطع، روشن، مورد اتفاق و انکارناپذیر

1. Email: Ghorbannia4@gmail.com

است و آن پرسش این است که آیا دولت‌ها در وضعیت اضطراری و بحرانی ناشی از بلایای طبیعی و یا منازعات مسلحانه، اخلاقاً به ارائه و پذیرش کمک‌های انسان‌دوستانه متعهدند یا نه. در پاسخ مثبت به این پرسش کمترین تردید راه ندارد. آنگاه که وضعیتی اضطراری و بحرانی برای ملتی رخ دهد، همه ملت‌ها تعهد اخلاقی دارند تا برای رفع معضلات انسانی و رهانیدن ملت آسیب‌دیده از ویرانی مساعدت کنند. به‌رغم آنکه تعهد اخلاقی فاقد ضمانت اجرایی رسمی و حقوقی است، اما در زمان بروز بحران در یک کشور اعم از آنکه ناشی از منازعه مسلحانه باشد یا بلایای طبیعی، بسیاری از دولت‌ها به ایفای این تعهد اخلاقی پایبندی از خود نشان می‌دهند و حتی در ایصال این کمک‌ها به ملت آسیب‌دیده روابط سرد سیاسی و یا حتی دشمنی سیاسی را نادیده می‌گیرند.

اما پرسش پراهمیت این است که آیا این تعهد و الزام اخلاقی در هیچ حدی وارد دنیای حقوق شده است یا نه؟ پرسش‌های مهم دیگری نیز در این باره مطرح است؛ آیا می‌توان بر مبنای مسلم اخلاقی دولت‌ها را از حیث حقوقی نیز متعهد به ارائه و پذیرش کمک‌های بشردوستانه دانست یا نه؟ آیا میان تعهد به ارائه و تعهد به پذیرش می‌توان قائل به تفکیک شد؟ در صورت وجود چنین تعهد حقوقی، آیا وجود این تعهد مطلق است یا مشروط به شرایطی است؟ آیا بین صورتی که دولت آسیب‌دیده و نیازمند تقاضای کمک بشردوستانه می‌کند و در صورتی که چنین تقاضایی وجود ندارد، تفاوت حقوقی قابل‌تصور است؟ نقش رضایت دولت زیان‌دیده و درگیر در اوضاع و احوال بحرانی و اضطراری چیست؟ آیا نادیده گرفتن رضایت دولت برای رساندن کمک به ملت مبتلا به جنگ یا بلایای طبیعی، نقض حق حاکمیت آن دولت و دخالت نامشروع در امور آن دولت به شمار نمی‌رود؟ اثبات یک تعهد در یک طرف متوقف بر وجود حق در طرف دیگر است، بدین معنا که نمی‌توان تعهدی بدون حق تصور نمود، اگر دولتی را در ارائه کمک انسان‌دوستانه متعهد دانستیم صاحب حق کیست؟ دولت درگیر در بحران یا ملت آسیب‌دیده و نیازمند به کمک؟ پاسخ تفصیلی به تمام این پرسش‌ها در این مقاله ممکن نیست، بنابراین به اختصار به این پرسش‌ها پاسخ خواهیم گفت.

### ۱- حق بر ارائه و پذیرش کمک‌های بشردوستانه

حق بر ارائه و پذیرش دو معنا دارد: ۱- حق افراد، گروه‌های مردمی و سازمان‌های مردم‌نهاد به ارائه و در سوی مقابل حق اشخاص نیازمند در وضعیت جنگ یا بلایای طبیعی به دریافت؛ ۲- حق دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی به ارائه و حق دولت‌های درگیر در وضعیت بحرانی ناشی از جنگ و بلایای طبیعی به منظور رساندن آن به جمعیت نیازمند.

### ۱-۱- حق افراد بر ارائه و پذیرش

نه تنها انسان‌ها حق دارند، بلکه مکلفند که به انسان‌های نیازمند در هر گوشه دنیا کمک و مساعدت کنند. در زمان بروز فجایع انسانی، هر انسانی تعهد و مسئولیت اخلاقی دارد به کمک انسان‌های نیازمند بشتابد و در این تعهد اخلاقی نه دین و مذهب تأثیری دارد، نه زبان و نژاد و نه تقاضا یا عدم تقاضای نیازمند. تنها شرط لازم برای وجود چنین تعهدی، این است که شخص توانمند از نیاز هم‌نوع خود باخبر باشد. شاید از همین روست که در این باره کمتر سخن به میان می‌آید. در فرهنگ و ادبیات حاکم بر اخلاق دینی بر این تعهد اخلاقی فراوان تأکید شده است. در پاره‌ای از روایات، امامان علیهم السلام به شیعیان خود دستور داده‌اند<sup>۱</sup> که، فارغ از شخصیت انسان‌های نیازمند به آنان کمک کنند. تعلیل به کار رفته در برخی از توصیه‌ها بسیار جالب توجه است؛ اگر هم شخص نیازمند از حیث شخصیت شایستگی کمک شدن ندارد، تو شایستگی خود را نشان بده. از حضرت امام رضا (ع) نقل شده است<sup>۲</sup> که او به واسطه پدران خویش از پیامبر خدا (ص) نقل فرموده است که، حد اعلائی خردمندی بعد از ایمان [به خداوند] دوستی با مردم است و نیکی کردن به آنان، نیکوکار باشند یا بدکار (حر عاملی، ۱۳۵۶ق: ۲۸).

ممکن است کسانی تصور کنند اسلام تنها کمک به مسلمانان را توصیه می‌کند و در واقع معیار کمک و محبت به دیگران تنها هم‌کیش بودن است. ولی امام باقر (ع) با استناد به آیاتی از قرآن کریم این تصور و این نحوه تفکر را مردود شمردند. زراعه که از یاران خاص امام باقر (ع) است می‌گوید به همراه یکی دیگر از دوستان آن حضرت، نزد امام رفتیم و عرض کردم ما برای تنظیم روابطمان با مردم از معیار و میزان سنجش بهره می‌بریم. فرمود آن میزان چیست؟ گفتم معیار این است که هر کس هم مذهب ماست با او دوستی می‌کنیم (و در حل مشکلات او را یاری می‌دهیم) ولی هر کس مخالف عقیده ما باشد از وی بی‌زاری می‌جوئیم (و از یاری رساندن به او خودداری می‌کنیم)، امام (ع) از راست‌تر بودن سخن خداوند در قرآن کریم سخن گفتند که در آن‌ها مسلمانان به جهاد در راه نجات مستضعفان و یاری رساندن به نیازمندان بدون

۱. «واصنعوا المعروف الی کل احد فان کان اهله و الا فانته اهله». به هر انسانی نیکی کنید؛ زیرا اگر او شایسته نیکی نیست، تو سزاوار آنی.

۲. «رأس العقل بعد الايمان التودد الی الناس و اصطناع الخیر الی کل بر و فاجر». حد اعلائی خردمندی بعد از ایمان [به خداوند] دوستی با مردم و نیکی کردن به آنان است، نیکوکار باشند یا بدکار.

توجه به دین و مذهب و نیز اعمال نیک یا بد آنان امر شده‌اند.<sup>۱</sup>

حق انسان‌ها بر دریافت کمک‌های بشردوستانه بیشتر مورد گفتگو است. آیا کسانی که در شرایط جنگ و یا وضعیت زلزله، سیل، سونامی و مانند آن، نیازمند و مستحق دریافت کمک و مساعدت هستند یا نمی‌توان آنان را دارنده چنین حقی دانست؟ در اینکه چنین حق اخلاقی وجود دارد کمترین تردیدی نیست. شخص نیازمند تحت شرایطی برای دریافت کمک نوع‌دوستانه مکلف است و نمی‌تواند از پذیرش آن خودداری کند. جمعیت غیرنظامی در زمان جنگ و یا مبتلایان به بلایای طبیعی برای رهنمیدن خود از خطر مرگ باید برای دریافت کمک تلاش کنند.

در فقه و حقوق مسلم است که شخص مضطر حق دارد به طور پنهانی و بدون اذن صاحب مال، به میزانی که برای رفع اضطرار ضروری است در مال دیگری تصرف کند. در حالی که تصرف در مال دیگری بدون اذن مجاز نیست<sup>۲</sup> و حتی تحت شرایطی وصف مجرمانه به خود می‌گیرد و مجازات دارد؛ اما در شرایط اضطرار بی‌گمان مسئولیت کیفری منتفی است. مطابق فقه اسلامی فقدان اضطرار و نبودن سرقت در سال مجاعه یا قحطی جزء شرایط اجرای حد سرقت است. مطابق نظر رایج در فقه اسلامی حفظ نفس واجب است. اگر در نتیجه گرسنگی یا نبود بهداشت یا پوشاک خطر مرگ کسی را تهدید می‌کند، سخن در این نیست که آیا حق دریافت کمک دارد یا نه؛ چه آنکه بی‌تردید حق اخلاقی دارد. فراتر از آن تعهد و الزام شرعی و حقوقی نیز دارد.

چه آنکه بی‌تردید حق اخلاقی دارد و فراتر از آن تعهد و الزام شرعی و حقوقی دارد. چنین شخصی نه تنها نمی‌تواند از پذیرش کمک خودداری کند، بلکه ملزم است حتی بدون اذن و رضایت صاحب مال، به قدر لازم از مال دیگری بردارد و شاید بتوان گفت در جایی که حق حیات شخصی در پی گرسنگی در خطر است، می‌تواند از هر طریقی حتی به اجبار در مال دارندگان تصرف کند.<sup>۳</sup>

۱. ابو جعفر محمد بن یعقوب بن اسحاق الکلینی الرازی، اصول الکافی، ج ۲، باب اصناف الناس، ص ۳۸۲. «عن زراره قال دخلت انا و حمران او انا و بکیر علی ابی جعفر (ع) قال، قلت له انا نمذ المطار. قال و ما المطار؟ قلت: التمر، فمن واقضا من علوی او غیره تولیناه و من خالفنا من علوی او غیره برثنا منه، فقال لی: یا زراره قول الله اصدق من قولک فأین الذین قال الله عزوجل: «لا المستضعفین من الرجال و النساء و الولدان لا یستطیعون حيلة و لا یهتدون سبیلا، این المرجون لامرالله؟ این الذین خلطوا عملاً صالحاً و آخر سیناً؟ این اصحاب الاعراف؟ این المولفه قلوبهم؟».

۲. «و لا یحل مال امرء مسلم الا بطیب نفسه».

۳. بنا بر نظری غیرمشهور، گرچه قتل نفس بی‌گمان حرام و از گناهان کبیره است، اما حفظ نفس واجب نیست. بنابراین در شرایط اضطراری، انسان تنها حق دارد اکل میته کند؛ یعنی از طعامی که در وضعیت عادی حرام است، استفاده کند و یا از مال دیگران بدون اذن به قدر ضرورت بردارد. در چنین فرضی فردی که استیفاء حق کرده است، مرتکب حرام نشده و مسئولیت کیفری ندارد.

بنابراین در حق اخلاقی نیازمندان بر دریافت کمک و نیز تعهد اخلاقی، حقوقی و شرعی آنان در مطالبه و پذیرش کمک در شرایطی که فقدان کمک حیاتشان را به مخاطره می‌اندازد نباید تردید کرد.

مسئله مهم اثبات حق قانونی آنان است، به نحوی که تعهدی را بر عهده دولت متبوع آنان و سایر دولت‌ها قرار دهد، حتی که سایر دولت‌ها را ملزم به ارائه نماید و دولت متبوع را مکلف به مطالبه و پذیرش کند. از پاره‌ای از اسناد بین‌المللی وجود چنین حقی به طور اجمال قابل استنباط است.

بند اول ماده ۳۰ کنوانسیون چهارم ژنو مقرر داشته است: «به اشخاص مورد حمایت هر گونه تسهیلات داده خواهد شد تا به دول حامی، کمیته بین‌المللی صلیب سرخ، جمعیت‌های ملی صلیب سرخ، کشوری که در آنجا حضور دارند و به هر سازمان دیگری که ممکن است به آنان کمک کند، مراجعه نمایند». دو پروتکل الحاقی نیز به ترتیب در ماده ۷۰ و ۱۸ حق جمعیت غیرنظامی نیازمند را برای دریافت کمک‌های بشردوستانه مورد شناسایی قرار داده‌اند.

شورای امنیت سازمان ملل متحد، مجمع عمومی ملل متحد و کمیسیون [پیشین] حقوق بشر تأکید نموده‌اند که جمعیت غیرنظامی در صورت نیاز مستحق دریافت کمک‌های بشردوستانه‌اند. در گزارش مربوط به کمک‌های فوری به سودان در سال ۱۹۶۶ دبیرکل سازمان ملل متحد هر گونه تلاش برای کم اهمیت جلوه دادن مسئولیت جامعه بین‌المللی در ارائه کمک به جمعیت غیرنظامی نیازمند در سودان را تخطی از اصول بشردوستانه تلقی نمود. در آن گزارش، رساندن کمک به جمعیت غیرنظامی نیازمند در زمره یکی از مهم‌ترین قواعد بشردوستانه در زمان جنگ به شمار آمده است (ژان ماری هنکرتز، و لوئیس دوسوالدیک، ۱۳۸۷: ۳۱۸).

در بیست و ششمین کنفرانس بین‌المللی صلیب سرخ و هلال احمر در سال ۱۹۹۵ نیز بر حق جمعیت غیرنظامی به دریافت کمک‌های بشردوستانه مطابق حقوق بین‌الملل بشردوستانه تأکید گردید (همان، ۳۱۹).

#### ۱-۲- حق دولت‌ها بر ارائه و پذیرش کمک‌های بشردوستانه

در اینکه دولت‌ها حق دارند کمک‌های بشردوستانه را بپذیرند، تردیدی وجود ندارد. سخن در ناحیه دولت‌های داوطلب ارائه کمک‌های بشردوستانه است. آیا دولت‌ها حق قانونی در ارائه کمک‌های بشردوستانه دارند؟ یعنی کمک‌های بدون رضایت دولت نیازمند، وجاهت قانونی دارد و مداخله در امور داخلی آن دولت محسوب نمی‌شود؟

به این پرسش می‌توان پاسخ مثبت داد، بدین بیان که افزون بر حق اخلاقی، دولت‌ها مطابق موازین حقوقی حق دارند با رعایت شرایطی که از آن‌ها سخن خواهیم گفت، کمک‌های بشردوستانه خود را به دولت نیازمند ارائه کنند؛ اما روشن است که در صورت عدم رضایت دولت نیازمند، عملاً این حق قابل استیفاء نخواهد بود و هیچ دولتی بدون رضایت دولت دیگر نمی‌تواند به طور مستقیم کمک‌های بشردوستانه را به قربانیان و نیازمندان برساند. این مسئله هم انکارناپذیر است که دولتی که در سرزمین او به سبب مخاصمه مسلحانه و یا به علت بلایای طبیعی فجایع انسانی بروز کرده است، برای امتناع از پذیرش امداد و کمک‌های بشردوستانه آزادی مطلق ندارد، بلکه امتناع یک دولت تنها به دلایل قانونی ممکن است موجه جلوه کند. بی‌شک امتناع خودسرانه یک دولت در وضعیتی که خود نمی‌تواند به تعهد خود عمل کند و نیازهای مردم را تأمین نماید، فاقد وجهت است. دولت حاکمیت دارد، رضایت او دارای اهمیت و احترام است، اما حق امتناع یک استثناء است و رضایت باید به نحو محدود تفسیر شود (Sandoz and ..., 1987: 817-820).

دیوان بین‌المللی دادگستری در دعوای نیکاراگوئه علیه ایالات متحده تصریح نمود که کمک‌های بشردوستانه تا زمانی که به صورت بی‌طرفانه و بدون تبعیض ارائه و توزیع می‌شود، مداخله محسوب نمی‌گردد (ICJ, 1986, para. 243). گرچه پروتکل اول و دوم الحاقی در ماده ۷۰ و ۱۸ رضایت طرف‌های درگیر را برای ایصال کمک‌های بشردوستانه ضروری دانسته‌اند، اما هنگامی که یک سازمان بشردوستانه که با بی‌طرفی و بی‌غرضی کمک‌های خود را ارائه می‌کند از نیاز غیرنظامیان به چنین کمک‌هایی آگاه شود و درصدد کسب رضایت از دولت‌های درگیر برآید، دولت‌ها ملزم به اعلام رضایت‌اند (Sandoz & ..., OP.Cit).

در بیست و ششمین کنفرانس بین‌المللی صلیب سرخ و هلال احمر بر تکلیف طرف‌های درگیر به پذیرش کمک‌های بشردوستانه بی‌غرض تحت شرایط مقرر در حقوق بین‌الملل بشردوستانه به نفع جمعیت غیرنظامی در صورتی که منابع کافی برای بقای این افراد وجود ندارد، تأکید شده است.

در گزارش چهارم آقای ادواردو والنسیا اسپینا گزارشگر ویژه کمیسیون حقوق بین‌الملل در موضوع «حمایت از اشخاص در حادثه بلایای طبیعی»<sup>۱</sup> که در ۲۰۱۱ ارائه گردید، به تعهد دولت متأثر از بلایای طبیعی در تحصیل کمک و خودداری نکردن از اعطاء رضایت به طور خودسرانه و نیز حق او بر درخواست کمک تأکید شده است.

---

1. Protection of Persons in the Event of Disasters

نکته شایان ذکر این است که گرچه دولت‌های درگیر مکلف به دادن رضایت‌اند، اما اولاً، حق کنترل آن‌ها محفوظ است (ماده ۲۳ کنوانسیون چهارم ژنو، بند ۳ ماده ۷۰ پروتکل اول الحاقی)؛ و ثانیاً، کارکنان امدادهای بشردوستانه باید به قوانین و مقررات سرزمینی که در آنجا به کمک‌رسانی اشتغال دارند، احترام بگذارند (ماده ۵۵ کنوانسیون چهارم ژنو).

برخی از قطعنامه‌های مجمع عمومی سازمان ملل متحد به طور تلویحی حق سازمان‌های بین‌المللی غیردولتی را بر ارائه کمک‌های بشردوستانه به دولت‌های آسیب‌دیده در وضعیت بلایای طبیعی و یا بحران و اضطراب ناشی از جنگ به رسمیت شناخته و این دیدگاه را تقویت نموده است که ارائه کمک‌های بشردوستانه نباید دخالت نامشروع در امور داخلی دولت‌ها به شمار آید (بیگزاده و حبیبی، ۱۳۸۴: ۳۰۱). مجمع عمومی ملل متحد طی دو قطعنامه در سال‌های ۱۹۸۸ و ۱۹۹۰ با عنوان «کمک‌های بشردوستانه به قربانیان بلایای طبیعی و وضعیت‌های اضطراری مشابه» از سازمان‌های بین‌المللی غیردولتی می‌خواهد که برای پایان دادن به آلام و رنج‌های قربانیان بلایای طبیعی و به منظور حفظ منزلت و حیثیت انسانی آسیب‌دیدگان، کمک‌های خود را ارائه کنند. گرچه برخی از حقوق‌دانان با تمسک به اهمیت حقوق بنیادین بشر یعنی حق حیات، منزلت، حیثیت و کرامت انسانی، این دست از قطعنامه‌های مجمع را الزام‌آور تلقی نموده‌اند (همان)، ولی واقعیت جامعه بین‌المللی بر چیزی غیر از این دلالت دارد. آنچه مسلم است دولت‌ها، سازمان‌های بین‌المللی دولتی و غیردولتی حق اخلاقی و نیز حقوقی در ارائه کمک دارند، ولی نمی‌توان آن‌ها را در این امر متعهد دانست. این نظر نیز مقرون به صواب است که دولت‌های نیازمند ملزم به پذیرش کمک‌ها و ایصال آن به قربانیان و آسیب‌دیدگان هستند به ویژه اگر نرسیدن کمک به آنان، حق حیات و یا حق کرامت و حیثیت انسانی آنان را در معرض خطر قرار دهد.

## ۲- تعهد دولت به ارائه و پذیرش کمک‌های بشردوستانه

### ۲-۱- تعهد به ارائه کمک‌های بشردوستانه

در نظام حقوق بین‌الملل، دولت‌ها تعهد حقوقی بر ارائه کمک‌های بشردوستانه ندارند. در این فقدان تعهد حقوقی تفاوتی میان موقعیت مخاصمه مسلحانه و فجایع حاصل از سوانح و مصائب طبیعی وجود ندارد. البته اسنادی غیرالزامی ارائه چنین کمک‌هایی را توصیه می‌کنند که تأکیدی است بر تعهد اخلاقی دولت‌ها. دومین کنفرانس بین‌المللی صلیب سرخ در سال ۱۸۶۹ به این نکته اشاره داشت که جوامع صلیب سرخ باید کمک‌های بشردوستانه را در زمان بروز فجایع

که انسان‌هایی نیازمند امداد فوری و سازمان یافته‌اند، ارائه نمایند. در بیست و یکمین کنفرانس بین‌المللی صلیب سرخ و هلال احمر در سال ۱۹۶۹ «اصول و قواعد صلیب سرخ برای عملیات امدادی در زمان بروز بلایا» به تصویب رسید. این سند تنها یک سند داخلی برای کمیته صلیب سرخ و هلال احمر محسوب نمی‌شود، بلکه سندی است که پاره‌ای از دول عضو کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو نیز آن را مورد پذیرش قرار داده‌اند. این سند، ارائه و نیز دریافت کمک‌های بشردوستانه را از حقوق اساسی مردم تلقی نموده، اعضای کمیته را موظف کرده است که کمک‌های بشردوستانه را با رعایت اصل بی‌طرفی و بدون هیچ‌گونه تبعیض به آسیب‌دیدگان و نیازمندان ارائه نمایند (Spieker, Heike, 2011: 20). پر واضح است تلقی دریافت کمک‌های بشردوستانه به عنوان حقوق اساسی مردم دلالت روشنی دارد بر تعهد دولت‌ها به ارائه. با این همه این سند را باید تأکید فوق‌العاده بر تعهد اخلاقی دولت‌ها تلقی نمود.

قطعه‌نامه ۴۶/۱۸۲ مجمع عمومی سازمان ملل متحد از دیگر اسنادی است که بر کمک‌های بشردوستانه تأکید می‌کند. اصول راهنمایی که به این سند پیوست است، بر لزوم ارائه کمک‌های بشردوستانه به قربانیان بلاای طبیعی و سایر وضعیت‌های اضطراری تصریح کرده است (UND0C, 1991). مجمع در قطعه‌نامه دیگری در سال ۲۰۰۲ بر این نکته تأکید می‌ورزد که «تعهدات رسمی دولت‌ها برای ارتقای همکاری‌های بین‌المللی در حوزه حقوق بشر و برای رفع مشکلات بشر کاملاً با منشور ملل متحد مطابقت دارد».

تأکید بر این نکته لازم است که گرچه تعهد اخلاقی دولت‌ها دارای ارزش والایی است و تأکید بر آن برای نظام بین‌الملل بسیار پر اهمیت است، اما هنوز کنوانسیون چند جانبه موجد تعهد حقوقی برای دولت‌ها نسبت به ارائه کمک‌های بشردوستانه به آسیب‌دیدگان از بلایا و سوانح طبیعی و یا غیرنظامیان قربانی مخاصمات مسلحانه وجود ندارد (United Nations General Assembly Resolution, 2002: para 1).

## ۲-۲- تعهد به پذیرش کمک‌های بشردوستانه

بی‌تردید تأمین حقوق اقتصادی مردم چه در زمان صلح و چه در زمان جنگ تکلیف دولت‌هاست. دولت‌ها در رعایت نسل دوم از حقوق بشر یعنی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، تعهد مثبت و به تعبیر درست‌تر و رساتر تعهد به مداخله و اقدام دارند. گرچه تعهد به تأمین این حقوق، تعهد به وسیله است نه نتیجه، اما این مسئله مسلم است که دولت‌ها نباید از هیچ‌گونه تلاشی برای تحقق و تأمین این دسته از حقوق پر اهمیت دریغ ورزند. این تعهد



اولیه که در ادبیات حقوق بین‌الملل امروز از آن به «مسئولیت حمایت»<sup>۱</sup> یاد می‌شود، در وضعیت بروز فجایع انسانی ناشی از رخداد بلایای طبیعی یا مخاصمات مسلحانه داخلی و بین‌المللی پر اهمیت‌تر جلوه می‌کند. بر پایه نظریه «مسئولیت حمایت» که به باور نگارنده از پایه‌های محکم اخلاقی برخوردار است، تعهد اولیه در تأمین نیازمندی‌های قربانیان وضعیت‌های اضطراری ناشی از جنگ یا سوانح طبیعی بر عهده دولت متبوع آنان است. تکلیف به پذیرش کمک‌های بشردوستانه نتیجه قطعی مسئولیت حمایت است. اگر دولتی که فاجعه انسانی در قلمرو تحت صلاحیت او رخ داده است، از تأمین نیازمندی‌های قربانیان ناتوان است، نه تنها نباید خودسرانه و به بهانه نقض حاکمیت از دریافت امداد و کمک دولت‌های دیگر خودداری کند. بلکه همچنین موظف است از هیچ‌گونه کوششی برای جذب این کمک‌ها مضایقه نکند و به دولت‌ها، سازمان‌های بین‌المللی و نیز نهادهای مردم نهاد در ایصال کمک‌های بشردوستانه مساعدت کنند. در غیر این صورت از عهده مسئولیت حمایت و تعهد در تأمین حقوق اقتصادی بشر بر نیامده است، به ویژه در حالتی که به سبب وضعیت بحرانی فقدان خوراک و پوشاک و سرپناه، حق حیات انسان‌ها در معرض مخاطره قرار دارد. حق حیات بنیادی‌ترین حق انسان به شمار می‌رود که حق پر اهمیتی چون حق بر کرامت، منزلت و حیثیت متوقف بر حیات انسان است.<sup>۲</sup>

آنچه گفتیم مطابق تفسیر موسع از نظریه «مسئولیت حمایت» است. بر پایه تفسیر مضیق حاکمیت‌مدار که در سند نهایی اجلاس سران نیز منعکس است، مسئولیت حمایت منحصرأ بر تعهد جامعه بین‌المللی بر صیانت از اتباع دیگر دولت‌ها در قبال چهار جرم دهشتناک نسل‌زدایی، جرائم جنگی، جنایات علیه بشریت و پاکسازی قومی متمرکز است. سران دولت‌ها در اجلاس ۲۰۰۵ مجمع عمومی ملل متحد گزارشی از دبیر کل را به عنوان سند نهایی مورد تصویب قرار دادند که «مسئولیت حمایت» را به رسمیت شناخته است.

دو بند ۱۳۸ و ۱۳۹ این سند به «مسئولیت حمایت» اختصاص دارد. مطابق بند ۱۳۸ هر دولتی مسئول حمایت از مردم خود در برابر جرائم چهارگانه مزبور است. این مسئولیت، تعهد به پیشگیری را هم در بر دارد.

#### 1. Responsibility to Protect

۲. قابل ذکر است که در ادبیات و فرهنگ اسلامی، جسم انسان متوفی نیز دارای احترام است، ولی در ادبیات حقوق بشر، آنگاه که از کرامت انسان سخن گفته می‌شود، انسان حی مراد است. (ر.ک: قربان نیا، ناصر، حقوق بشر و حقوق بشردوستانه، انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، چاپ دوم، ۱۳۹۰، بخش اول).

جامعه بین‌المللی باید با استفاده از طرق مناسب دولت‌ها را به اجرای این مسئولیت تشویق و مساعدت کند. در بند ۱۳۹ نیز نخست بر مسئولیت جامعه بین‌المللی تأکید می‌کند که از طریق سازمان ملل متحد و با استفاده از روش‌های دیپلماتیک، انسان‌دوستانه و دیگر طرق مسالمت‌آمیز مطابق با فصل ۶ و ۸ منشور در امر حمایت از مردم در قبال نسل‌زدایی، جنایت جنگی، جرائم بر ضد بشریت و پاکسازی قومی مساعدت نماید.

آنگاه از مرحله دیگر سخن می‌گوید: «در این چارچوب اگر ابزارهای مسالمت‌آمیز کافی نبود و مقامات ملی قادر به حمایت از مردم خود در برابر جرائم مزبور نباشند، سران اعلام آمادگی می‌کنند تا به نحوی قاطع و به موقع، از طریق شورای امنیت مطابق با منشور به ویژه فصل هفتم و با همکاری سازمان‌های منطقه‌ای در زمان مقتضی، متوسل به اقدامات جمعی شوند (ungaresolution 60/1, Paras 138, 139).

نکاتی در این باره قابل یادآوری است. از منظر این سند، نظریه مسئولیت حمایت را تنها باید در جاهایی به کار گرفت که انسان‌هایی در معرض نسل‌زدایی، جنایت ضد بشری، جرائم جنگی و پاکسازی قومی قرار دارند. در دیگر مواردی که نقض حقوق بنیادین انسان‌ها در حال ارتکاب است و یا بشر در معرض نامالایمات طبیعی قرار دارد، دیگر دولت‌ها و جامعه جهانی برای مقابله با آن و یا کاستن از رنج و درد انسان‌ها هیچ تعهدی ندارند. (cf Alex Bellamy & paul williams, 2009: 15)

این ایده در باور تنظیم‌کنندگان و تصویب‌گران سند چنان راسخ است که طی دو بند ۱۳۸ و ۱۳۹ که چندان هم مطول نیست، به نحو ملال‌آوری چهار جرم را تکرار می‌کنند، شاید از آن‌رو که مخاطب دقیقاً دریابد که محدوده اعمال مسئولیت حمایت مضیق و منحصر به چهار جرم است.

نکته دوم اینکه سند نهایی اجلاس سران، اعمال مسئولیت حمایت را دارای چهار مرحله می‌داند. نخست هر دولتی مسئول حمایت از اتباع خود در قبال چهار جرم مذکور است. در مرحله دوم دولت‌ها به دولت درگیر برای ایفاء وظایف مساعدت می‌کنند. در مرحله سوم دولت‌ها مسئولند در صورتی که آشکار است که دولتی از عهده مسئولیت حمایت بر نمی‌آید با استفاده از روش‌های مسالمت‌آمیز از انسان‌هایی که در معرض یکی از چهار جرم قرار دارند، حمایت نمایند و در مرحله چهارم که نوبت به توسل به اقدامات قهری می‌رسد، تنها شورای امنیت در چارچوب فصل هفتم منشور مجاز به مداخله است.

منحصر دانستن مسئولیت حمایت به چهار جرم دهشتناک تنها در توسل به مرحله چهارم موجه است و مفهوم امنیت انسانی، اهمیت حقوق انسان و ضرورت انسانی‌تر شدن حقوق بین‌الملل مقتضی است دکترین مسئولیت حمایت را قدری موسع تفسیر نماییم و با بهانه واقع‌گرایی و شکست ایده‌های آرمان‌گرایانه و حمایت وسیع از حاکمیت‌ها دولت‌ها عملاً آن را از حیث انتفاع خارج نسازیم.

نکته سوم اینکه حتی اگر تفسیر مضیق از نظریه مسئولیت حمایت را تلقی به قبول نماییم نیز در حوزه بحث یعنی کمک‌های بشردوستانه امکان تمسک به آن وجود دارد؛ چه آنکه دست کم در برخی از صور ممانعت یا امتناع دولت درگیر و نیازمند از دریافت و رساندن کمک‌های بشردوستانه به نیازمندان جنایت‌جویی به شمار می‌رود که یکی از جاهایی است که حتی مطابق سند نهایی اجلاس سران اعمال مراحل چهارگانه مسئولیت مجاز بلکه لازم است.

گرچه امروز امور متعددی حاکمیت دولت‌ها را محدود کرده است، اما هنوز دولت‌ها بر طبل حاکمیت می‌کوبند و حقوق بین‌الملل نیز این حاکمیت را اصولاً محترم می‌شمارد و بنابراین در امر مهم و گاه حیاتی کمک‌های بشردوستانه به حاکمیت دولت‌ها و اصل رضایت اصیل آن‌ها به دیده احترام می‌نگرد. پاره‌ای از قطعنامه‌های مجمع عمومی سازمان ملل متحد ضمن تأکید بر تعهد اولیه دولت‌های آسیب‌دیده در حل معضلات بشری، بر حاکمیت آن‌ها تصریح می‌کنند. به عبارت دیگر قطعنامه‌ها تلاش دارند بین دو مسئله مهم توازن و توافق ایجاد کنند. از یک سو حاکمیت و تمامیت ارضی دولت‌های آسیب‌دیده باید محترم شمرده شود و از سوی دیگر دولت بحران‌زده‌ای که نمی‌تواند به تنهایی از عهده رفع معضلات برآید متعهد است از کمک‌های بشردوستانه استقبال کند و تا زمانی که این کمک‌ها به صورت بی‌طرفانه و بدون تبعیض ارائه می‌شود، به آن وصف مداخله نامشروع ندهد و از دریافت و ایصال آن به قربانیان امتناع نکند. از این رو در حالی که مجمع در دو قطعنامه موسوم به «کمک‌های بشردوستانه به قربانیان بلایای طبیعی و وضعیت‌های اضطراری مشابه» حتی از دولت‌ها می‌خواهد که امکان فعالیت را برای سازمان‌های بین‌المللی غیردولتی فراهم کنند و به آنان اجازه دهند کمک‌های خود را به قربانیان در هر جایی که لازم است برسانند، در قطعنامه‌های دیگر تأکید نموده است که تنها در صورتی دولت‌های داوطلب حق ارائه کمک به دولت آسیب‌دیده را دارند که دولت اخیر به این امر رضایت دهد. اصول راهنمای پیوست به قطعنامه ۴۶/۱۸۲ مجمع مقرر داشته است: «به موجب منشور ملل متحد حاکمیت، تمامیت

ارضی و وحدت ملی دولت‌ها باید کاملاً مورد احترام قرار گیرد. به این منظور کمک‌های بشردوستانه باید با رضایت دولت آسیب دیده ارائه شود» (UNGA Resolution, Para 3). افزون بر قطعنامه‌های مجمع عمومی، شورای امنیت سازمان ملل متحد نیز قطعنامه‌هایی دایر بر الزام دولت به پذیرش کمک‌های بشردوستانه صادر نموده است. شورا قطعنامه ۶۸۸ را در پنجم آوریل ۱۹۹۱ در مورد بحران داخلی عراق صادر نمود. بند سوم این قطعنامه دولت عراق را ملزم می‌کند که به سازمان‌های بشردوستانه بین‌المللی اجازه دهد تا بتوانند فوراً در تمام نقاط آن کشور به افراد نیازمند دسترسی یابند و نیز تسهیلات لازم را برای امدادسانی آنان فراهم سازد. در قطعنامه ۷۹۴ مورخ سوم دسامبر ۱۹۹۲ شورای امنیت در مورد سومالی نیز مسئله کمک‌های بشردوستانه مورد توجه قرار گرفت. شورا در بند سوم این قطعنامه ضمن اعلام ابعاد وسیع تراژدی ناشی از جنگ سومالی و تأکید بر اینکه این مخاصمه صلح و امنیت بین‌المللی را تهدید می‌کند، یادآور می‌شود که نتیجه آن ایجاد موانع برای رساندن کمک‌های بشردوستانه است. شورا در بند ۱۲ قطعنامه، تصمیم قاطع خود را در خصوص فراهم نمودن شرایط لازم و مناسب برای رساندن کمک‌های بشردوستانه در هر نقطه‌ای از سومالی که لازم باشد، اعلام می‌دارد (CF. Bedjaoui, 1991: 1196-1198).

کمیته حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در تفسیر عمومی شماره ۱۲ بین نقض حق بر غذا با جلوگیری از دسترسی به کمک‌های انسان‌دوستانه در مخاصمات مسلحانه داخلی یا دیگر وضعیت‌های مشابه، پیوند برقرار می‌کند. به موجب این تفسیر هر دولتی متعهد است برای همه کسانی که تحت صلاحیت آن هستند دسترسی به حداقل غذای ضروری را که به لحاظ تغذیه کافی، مناسب و ایمن است تأمین کند و رهایی آنان از گرسنگی را تضمین نماید (Committee of ESCR, 1999: Para. 36). کمیته در این باره تصریح می‌کند: «حق بر غذای کافی، همانند هر حق بشری دیگر سه نوع یا سطح از تعهد بر دولت‌های عضو تحمیل می‌کند: تعهد به احترام؛ تعهد به حمایت؛ و تعهد به ایفا (تأمین). تعهد به ایفا به نوبه خود هم تعهد به تسهیل و هم تعهد به فراهم ساختن را در خود جای می‌دهد. تعهد به احترام به دسترسی موجود به غذای کافی، دولت‌های عضو را ملزم می‌سازد هیچ‌گونه اقدامی اتخاذ نکنند که موجب بازداشتن از چنین دسترسی شود. تعهد به حمایت مستلزم اقداماتی توسط دولت است تا اطمینان حاصل شود شرکت‌ها یا افراد را از دسترسی به غذای کافی محروم نمی‌سازند. تعهد به ایفا به این معناست که دولت باید فعالانه دست به اقداماتی بزند که هدف از آن تقویت دسترسی مردم

به منابع و ابزارها و بهره‌برداری از آن‌ها در جهت تأمین معاش آنان از جمله امنیت غذایی است و بالاخره هرگاه فرد یا گروهی به دلایلی خارج از کنترل خود قادر نباشند با ابزاری که در اختیار دارند، از حق بر غذای کافی بهره‌مند شوند، دولت‌ها متعهدند این حق را به طور مستقیم تأمین کنند. این تعهد همچنین نسبت به کسانی اعمال می‌شود که قربانی بلایای طبیعی یا فجایع دیگر هستند» (متیو سی. آر. کریون، ۱۳۸۷: ۵۲۸).

تعهد دولت‌ها به پذیرش کمک‌های بشردوستانه در وضعیت مخاصمات مسلحانه ادله و مستندات روشن‌تری دارد. بر پایه ماده ۷۰ پروتکل اول الحاقی، در مواردی که غیرنظامیان یک طرف مخاصمه امکانات کافی مانند غذا و تجهیزات پزشکی ندارند، دولت متعهد است با عملیات امدادی در سرزمین خود که ماهیت بشردوستانه دارد و بی‌طرفانه و بدون تبعیض اعمال می‌شود، موافقت نماید و نباید این کمک‌رسانی را عملی غیردوستانه تلقی کند.

کنوانسیون چهارم ژنو دولت‌ها را ملزم می‌کند که نه تنها «عبور آزاد و بلامانع محموله‌های دارویی و بیمارستانی» که باید به غیرنظامیان برسد را اجازه دهند، بلکه آن‌ها را مکلف می‌کند چنین عبوری را تسهیل نمایند (ماده ۲۳ کنوانسیون چهارم ژنو). دولت‌ها همچنین باید «عبور آزاد و بدون مانع محموله‌های مواد اصلی غذایی، پوشاک، داروهای تقویتی برای کودکان زیر پانزده سال و مادران باردار را اجازه داده و تسهیل نمایند» (بند ۲ ماده ۷۰ پروتکل اول الحاقی).

کمیته بین‌المللی صلیب سرخ تعهد دولت‌ها به تسریع و تسهیل در ایصال کمک‌های بشردوستانه را قاعده عرفی حقوق بین‌الملل تلقی نموده که در درگیری‌های مسلحانه بین‌المللی و غیر بین‌المللی قابل اعمال است. قاعده ۵۵ از قواعد عرفی بشردوستانه بین‌المللی که به وسیله کمیته تدوین شده است، چنین مقرر داشته است: «طرفین مخاصمه بایستی ضمن حفظ حق خود برای اعمال کنترل، همه گونه تسریع و تسهیلی را برای رسیدن کمک‌های بشردوستانه به غیرنظامیان یا بی‌طرفی و بی‌غرضی به عمل آورند» (ژان ماری هنکرتز و ...، پیشین: ۳۱۱).

قاعده لزوم تسریع در رساندن کمک‌های بشردوستانه به غیرنظامیان در پیش‌نویس پروتکل دوم الحاقی نیز قید گردید و توسط کمیته دوم کنفرانس دیپلماتیک که طی آن پروتکل‌های الحاقی پذیرفته شدند نیز مورد پذیرش قرار گرفت، ولی متأسفانه در آخرین لحظات به دلیل ضرورت تصویب متنی ساده‌تر حذف گردید (همان، ۳۱۲).

شورای امنیت سازمان ملل متحد در قطعنامه‌های متعدد بر این امر تصریح و تأکید کرده است. شورا در قطعنامه ۱۲۶۱ از همه طرف‌های درگیر درخواست نمود: «همه توان و تلاش خود

را برای کمک‌رسانی به کودکان و تسهیل این کمک‌رسانی‌ها به کار گیرند»<sup>۱</sup>.  
 به موجب ماده ۵۴ پروتکل اول الحاقی «گرسنه نگاه داشتن غیرنظامیان به عنوان یک روش جنگی ممنوع است». هیچ طرف مخاصمه مسلحانه نمی‌تواند، از گرسنه نگاه داشتن غیرنظامیان به عنوان ابزار جنگی استفاده کند. ممنوعیت گرسنگی دادن به عنوان یک روش جنگی که در ماده مزبور تبلور یافته است، در زمان تدوین پروتکل امری بدیع به نظر می‌رسید، اما امروز به عنوان یک قاعده مستحکم و ریشه‌دار در حقوق بشردوستانه قراردادی و عرفی جای خود را باز کرده است، به نوعی که در مواردی که دولت‌هایی از این قاعده تخطی کرده‌اند، با تقبیح جهانی مواجه شده و یا عمل خلاف خود را انکار کرده‌اند (هنکرتز و دوسوالدیک، پیشین: ۳۰۱-۳۰۲).

ممکن است دولتی به ویژه در منازعه مسلحانه داخلی به قصد استفاده از گرسنگی به عنوان ابزار و روش جنگی، از رسیدن کمک‌های بشردوستانه به نظامیان و غیرنظامیان حامی معارضان ممانعت به عمل آورد. چنین اقدامی را می‌توان نقض ماده ۵۴ دانست.

شایان ذکر است که مطابق بند ۲ ماده ۷۰ پروتکل اول الحاقی نه تنها طرف‌های مخاصمه مجاز نیستند که از رسیدن کمک‌های بشردوستانه ممانعت نمایند، بلکه دول عضو پروتکل نیز موظفند رسیدن چنین کمک‌هایی را تسهیل نمایند. این تعهد در پیش‌نویس پروتکل دوم الحاقی نیز لحاظ گردید و توسط کمیته دوم در کنفرانس دیپلماتیک مورد پذیرش قرار گرفت، ولی متأسفانه در آخرین لحظات به این دلیل که متن ساده‌تری باید در این باره تدوین شود حذف گردید (همان، ۲۱۷).

پاره‌ای از نویسندگان امتناع از پذیرش کمک‌های بشردوستانه و ممانعت از رسیدن آن به نیازمندان را با سه عنوان مجرمانه بین‌المللی «جرم جنگی، جنایت علیه بشریت و نسل‌زدایی» قابل جرم‌انگاری دانسته‌اند (Rottensteiner, Christa, 1999: 1-10). امتناع نه تنها در مخاصمات مسلحانه بلکه در زمان بلایای طبیعی نیز قابل تصور است. ممکن است در نتیجه رفتار عمدی اشخاصی از جمله نمایندگان دولت‌ها یا نمایندگان شورشیان کمک‌های بشردوستانه به آسیب‌دیدگان نیازمند نرسد و حیات، سلامتی یا حیثیت آنان در معرض خطر قرار گیرد. امتناع از پذیرش کمک‌های بشردوستانه در شرایط مخاصمات مسلحانه داخلی یا بین‌المللی می‌تواند یک جنایت جنگی موضوع ماده ۸ اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی تلقی گردد؛ چرا که چنین

۱. قطعنامه ۱۲۶۱، مصوب ۱۹۹۹. همچنین نگاه کنید: قطعنامه ۱۲۶۵ مصوب ۱۹۹۹، قطعنامه ۱۲۹۶ مصوب ۲۰۰۰.

قطعنامه ۱۳۱۴ مصوب ۲۰۰۰.

ترک فعلی می‌تواند به قتل و کشتار عامدانه تعداد زیادی از مردم منجر شود، چنانکه اگر چنین امتناع یا ممانعتی باعث ایجاد رنج و درد شود، مثلاً مانع رسیدن غذا به اسیران جنگی شود، می‌تواند شکنجه به شماره آید (Ibid. 6).

بر پایه ماده ۷ اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری «تحمیل عمدی شرایط زندگی از جمله محروم کردن افراد از دسترسی به غذا و دارو که به نابودی بخشی از جمعیت منتهی گردد، در صورتی که به عنوان جزئی از یک حمله گسترده یا نظام‌مند علیه جمعیت غیرنظامی با علم بدان صورت گیرد، جنایت علیه بشریت تلقی می‌گردد».

در حقوق بین‌الملل، مسئولیت کیفری دولت‌ها به رسمیت شناخته نشده است. تنها افراد مسئولیت کیفری دارند و دیوان کیفری بین‌المللی صلاحیت رسیدگی به چهار جرم بین‌المللی را دارد که به وسیله افراد قابل ارتکاب است از قبیل: نسل‌زدایی، جرائم علیه بشریت، جرائم جنگی و جرم تجاوز.<sup>۱</sup> بحث ما درباره امتناع دولت‌ها از پذیرش کمک‌های بشردوستانه است. دولت‌ها فاقد مسئولیت کیفری‌اند، اما نمایندگان دولت‌ها یا گروه‌های شورشی که مانع از ایصال کمک‌های بشردوستانه می‌شوند را می‌توان دارای مسئولیت کیفری دانست. گرچه باید به خاطر داشت که اثبات قصد مجرمانه در ارتکاب چنین ممانعت یا امتناعی دشوار است و در نتیجه اثبات تحقق جرم به آسانی امکان‌پذیر نیست، ولی بی‌گمان امتناع از پذیرش امدادهای انسان‌دوستانه و ممانعت از ایصال آن به قربانیان و آسیب‌دیدگان نیازمند به ویژه در وضعیت مخاصمه مسلحانه می‌تواند فجایع انسانی عظیمی به بار آورد. بنابراین در مواردی امکان تأیید مجرمانه بودن اقدام وجود دارد.

ماده ۲۳ کنوانسیون چهارم ژنو به آزادی عبور برای طرفین منازعه مسلحانه پرداخته و دولت‌ها را ملزم نموده است عبور آزاد و بدون مانع را برای محموله‌های دارویی و بیمارستانی که باید به غیرنظامیان برسد، اجازه دهند و تسهیل نمایند. همچنین به موجب ماده مزبور دولت‌ها موظف هستند عبور آزاد و بدون مانع محموله‌های مواد اصلی غذایی، پوشاک، داروهای تقویتی برای کودکان زیر پانزده سال و بانوان باردار و مادران را اجازه دهند و تسهیل نمایند.

کنوانسیون چهارم در مواد متعدد از جمله ۵۰، ۵۵ و ۵۶ به بیان تعهدات دولت اشغالگر پرداخته و مقرر داشته است در صورتی که تمام یا بخشی از غیرنظامیان در سرزمین‌های اشغالی امکانات لازم را نداشته باشند، قدرت اشغالگر موظف است کمک‌های امدادی سازمان‌های بشردوستانه را بپذیرد. زمانی که کنترل دو فاکتو یک سرزمین به دولت اشغالگر واگذار شده است،

۱. دیوان تا سال ۲۰۱۷ درباره جرم تجاوز اعمال صلاحیت نخواهد کرد.

رضایت او لازم است. البته لزوم رضایت بدین معنا نیست که قدرت اشغالگر می‌تواند به صلاحدید خود از رضایت دادن امتناع ورزد. در واقع قدرت اشغالگر باید از اینکه کلیه انسانی‌های مقیم در قلمرو تحت اشغال او در حد کافی از چنین امکاناتی بهره‌مند هستند، کسب اطمینان نماید و در موارد لازم کمک‌های بشردوستانه را مطالبه نماید (هنکرتز و دوسوالدیک، پیشین: ۳۱۵). در زمان مخاصمه مسلحانه داخلی، بر پایه بند ۲ ماده ۱۸ پروتکل دوم الحاقی «اگر جمعیت غیرنظامی از شرایط طاقت‌فرسا در رنج باشند، عملیات بشردوستانه و بی‌طرفانه در صورت رضایت قدرت حاکم انجام می‌شود. اما در شرایط استثنایی که تعیین قدرت حاکم غیرممکن است، با توجه به این حقیقت که کمک به قربانیان مهم‌ترین اولویت است و تأخیر در آن مجاز نیست، رضایت قدرت حاکم مفروض تلقی می‌شود» (Sandoz, Yves, et al., OP.Cit: 1470).

کارکنان هیئت‌های امداد بشردوستانه باید محترم شمرده شوند و مورد حمایت قرار گیرند. این مسئله را می‌توان جزء قواعد عرفی حقوق بین‌الملل بشردوستانه دانست که طرف‌های درگیر در مخاصمه باید آزادی حرکت کارکنان مجاز در ارائه کمک‌های بشردوستانه را که برای انجام دادن وظایفشان ضروری است تضمین نمایند. طرفین منازعه تنها در صورتی که ضرورت قطعی نظامی ایجاب کند می‌توانند حرکت آن‌ها را به طور موقت محدود نمایند (آنتونی پ و مالرب، ۱۳۸۲: ۱۹۸ و ۳۱۹). بر پایه بند ۲ ماده ۸ اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری «ممانعت عمدی از کمک‌رسانی بشردوستانه که خود زیرمجموعه گرسنگی دادن جمعیت غیرنظامی به عنوان یک روش جنگی است، در مخاصمات مسلحانه بین‌المللی جنایت جنگی به شمار می‌رود». ماده ۹ اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی نیز در مقام بیان جنایات جنگی مشمول صلاحیت دیوان، هدف قرار دادن عمدی هیئت‌های امداد و کمک‌های بشردوستانه را جنایت جنگی تلقی نموده است.

ولی با این همه روشن است که حمایت از انسان‌ها به طور کلی و به فرجام رسیدن کمک‌های بشردوستانه به طور خاص، بیش از آنکه به ضمانت اجرای حقوقی اعم از مدنی و کیفری وابسته باشد، بر تقویت روح انسانیت، عاطفه، روحیه جوانمردی و احیاء و توسعه اخلاق در روابط میان انسان‌ها و نیز دولت‌ها متوقف است. ضمانت اجرای حقوقی خصوصاً نوع کیفری آن ضعف‌هایی دارد که به اجرا در آمدن مکانیسم آن را دشوار می‌سازد. رژیم اشغالگر قدس در تاریخ ۳۱ می ۲۰۱۰ به کاروان‌های کمک‌رسانی در نوار غزه به نحو ددمنشانه‌ای حمله برد که به کشته شدن و جراحت چندین غیرنظامی منجر گردید. در نتیجه این اقدام تنها شورای حقوق بشر



سازمان ملل متحد، ارتش رژیم اشغالگر را به سبب نقض قواعد بین‌المللی شدیداً محکوم نمود و ارتکاب عمل خلاف او را قابل پیگرد دانست، اما پیگیری حقوقی به وقوع نپیوست. پیش‌تر به پیوند میان حق حیات و تعهد دولت‌ها به پذیرش کمک‌های بشردوستانه اشاره کردیم. افزون بر آن، حق بر غذا و حق بر سلامتی که در میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی شناسایی شده است و دولت‌های عضو در تأمین آن تعهد ایجاد می‌دارند، نیز می‌تواند مبنای تعهد دولت‌ها در پذیرش کمک‌های بشردوستانه محسوب گردد. کمیته حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ضمن تأکید بر لزوم احترام دولت‌ها به حق بر سلامتی تصریح نموده است که دولت‌ها باید از «محدود کردن دسترسی به خدمات بهداشتی به عنوان اقدام تنبیهی در مخاصمات مسلحانه که ناقض حقوق بشردوستانه است اجتناب کنند» (CESCR, E/C.12/2000/4/ Para.4).

از منظر کمیته، دولت‌ها برای ایفای تعهد به «تأمین حق بر غذا» ملزم به انجام دادن سه وظیفه‌اند: ۱- متعهدند امکان دسترسی مردم به غذا را تسهیل کنند، بنابراین باید فعالانه در اقداماتی که مربوط به گسترش امکانات دسترسی مردم به منابع و تضمین حیات آن‌هاست شرکت نمایند (CESCR, E/C.12/1999/5/ Para.15)؛ ۲- در صورتی که فرد یا گروهی از افراد نمی‌توانند با تکیه بر منابع به غذا دست یابند، دولت‌ها متعهدند این حق آنان را به طور مستقیم فراهم کنند؛ ۳- اگر دولتی نتواند شخصاً تعهد خود در تأمین حق بر غذا را ایفا کند، موظف است پیشنهاد کمک‌های بشردوستانه را بپذیرد (Ibid). کمیته مزبور در تفسیر ماده ۱۲ میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و در بیان ماهیت تعهد دولت‌ها گفته است: «ممانعت از دستیابی نیازمندان به کمک‌های غذایی در مخاصمات مسلحانه داخلی یا دیگر وضعیت‌های اضطراری ممکن است به نقض حق بر غذا منجر شود».

### ۳- شرایط بشردوستانه بودن کمک، اثر رضایت و امتناع دولت

دو نکته مهم درباره کمک‌های بشردوستانه را نباید مغفول نهاد. اول شرایطی که فقدان هر یک از آن‌ها اتصاف کمک‌ها به وصف «بشردوستانه» را با تردید مواجه می‌کند؛ و دوم تأثیر رضایت دولت آسیب‌دیده و آثار امتناع از پذیرش کمک‌های بشردوستانه.

#### ۳-۱- شرایط اتصاف کمک به وصف بشردوستی

با رعایت چند شرط مهم کمکهایی که دولت‌ها در وضعیت اضطراری پیشنهاد آن را به دولت مضطر ارائه می‌کنند، ماهیت بشردوستانه می‌یابد و مشمول احکام اخلاقی و حقوقی

کمک‌های بشردوستانه خواهد شد. قصد و نیت بشردوستی، عدم جانبداری، بی‌طرفی و استقلال در ارائه کمک‌ها، شروطی است که الزاماً باید مورد توجه قرار گیرند. کمک‌هایی که با قصد محض نوع دوستی ارائه می‌شود، ملاحظات غیراخلاقی در آن مطمح نظر نیست، تبعیض‌آمیز و جانبدارانه نیست، نمی‌تواند و نباید غیردوستانه و دخالت در امور داخلی دولت بحران‌زده محسوب شود. آنگاه که انسان‌هایی در شرایط و موقعیت‌های اضطراری ناشی از منازعه مسلحانه یا بلایا و سوانح طبیعی در رنج شدید و طولانی به سر می‌برند و از حقوق اولیه خود از جمله، حق بر غذا و بهداشت محروم هستند، نوع دوستی، اخلاق و عاطفه انسانی به تنهایی کمک به آنان را اقتضاء دارد.

اگر محرک دولت‌ها، سازمان‌ها و افراد در ارائه کمک، قصد بشردوستی است، باید بدون جانبداری صورت گیرد. به این ترتیب که وابستگی افراد نیازمند به جبهه معین یا موقعیت آنان در درگیری لحاظ نشود. شرط اقدام بی‌طرفانه مقتضی آن است که سازمان‌ها و هیئت‌های امدادگر نباید بین طرف‌های منازعه مسلحانه تمایز قائل شوند. بی‌طرفی سیاسی، نظامی، مذهبی و ایدئولوژیک باید در ارائه کمک‌های بشردوستانه ملحوظ نظر قرار گیرد.

تفسیر کمیته بین‌المللی صلیب سرخ حاکی از این است که زمانی که هدف کمک به غیرنظامیان است و فعالیت بی‌طرفانه است، جنبه بشردوستانه چنین فعالیت‌هایی مفروض است، همچنین اولویت دادن به افراد آسیب‌پذیرتر در دریافت کمک‌های بشردوستانه، تأثیری بر بی‌طرفانه بودن این کمک‌ها نخواهد داشت (ممتاز و رنجبریان، ۱۳۸۶: ۱۴۱). شرط استقلال بدان معناست که اقدامات بشردوستانه باید بدون تأثر از فشارهای سیاسی و مانند آن صورت پذیرد.

### ۳-۲- اثر رضایت و امتناع دولت نیازمند

در خلال مباحث گذشته به نقش رضایت دولت زیان‌دیده و نیازمند در دریافت کمک‌های بشردوستانه اشاره کردیم. پروتکل دوم الحاقی رضایت دولت حاکم را شرط ارائه کمک‌های بشردوستانه در جریان مخاصمه مسلحانه داخلی دانسته است. بی‌گمان موفقیت در کمک‌رسانی به رضایت دولتی بستگی تام دارد که عملیات امداد در قلمرو آن انجام می‌شود، ولی اهمیت رضایت دولت هرگز بدین معنا نیست که اتخاذ تصمیم تنها به صلاحیت او بسته است. در شرایطی که حیات جمعیت غیرنظامی در خطر است و دولت توان و یا تمایل به رفع نیازمندی‌ها ندارد و از سوی دیگر حضور سازمان‌های امدادگر بی‌طرف می‌تواند اوضاع را بهبود بخشد، عملیات امداد باید به عنوان تنها راه مبارزه با گرسنگی انجام شود. تفسیر صحیح از ماده ۱۴ پروتکل دوم الحاقی که ایجاد قحطی در بین غیرنظامیان را به عنوان روش و ابزار جنگ ممنوع

دانسته است، اقتضاء دارد امتناع از پذیرش امدادهای بشردوستانه بدون دلیل قانونی موجه از سوی حاکمیت به معنای نقض اصل ممنوعیت استفاده از گرسنگی به عنوان یک روش جنگی بر ضد جمعیت غیرنظامی تلقی شود (همان، ۱۴۳). در صورتی که پیشنهاد کمک با قصد بشردوستانه، بی‌طرفانه و غیرجانبدارانه ارائه می‌شود، دولت نیازمند دلیل موجهی برای امتناع از پذیرش آن نخواهد داشت. دولتی که خودسرانه چنین پیشنهادی را رد می‌کند نه تنها مسئولیت اخلاقی سنگینی را متوجه خود می‌سازد، بلکه ناقض یک قاعده مهم از حقوق بشردوستانه محسوب خواهد شد. شاید با همین استدلال است که کمیته بین‌المللی صلیب سرخ بدون کسب موافقت حکومتی که همچنان نماینده کلیت دولت در عرصه بین‌المللی است، به خود حق ورود به سرزمین آن دولت و انجام دادن عملیات امدادسانی را می‌دهد (Sandoz, Yaves, et.al., OP.Cit: 1479).

اینکه شرط رضایت دولت به او حق نمی‌دهد که به دلخواه خود عمل کند و مانع کمک‌رسانی شود، متضمن این نتیجه است که اگر از رضایت دادن امتناع کرد، می‌توان با بکارگیری روش‌های مسالمت‌آمیز موافقت آن را اخذ نمود، همانند اقداماتی که دولت‌های اروپایی در حمایت از مردم چچن در پیش گرفتند. پس از آنکه دولت روسیه مانع رسیدن کمک‌های بشردوستانه به غیرنظامیان چچن شد، اتحادیه اروپا و مجمع پارلمانی شورای اروپا ضمن محکوم کردن اقدام روسیه، به او توصیه کردند اجازه دهد تا کمک‌ها آزادانه به مقصد برسد. در پی آن محموله‌ای از کمک‌های ارسالی به گروزی مرکز جمهوری چچن رسید.

با این همه باید به خاطر داشت که امتناع مداوم دولت از موافقت با عبور آزادانه کمک‌های بشردوستانه به هیچ روی موجهی برای توسل به زور به منظور رساندن کمک‌ها نخواهد بود. بکارگیری زور حتی در چنین مواردی نقض قاعده امری منع توسل به زور به شمار می‌رود. بر همین پایه عملیات هوایی نیروهای مسلح هند در سال ۱۹۸۷ برای ایصال آذوقه و دارو به شورشیان تا میل چون بدون رضایت و اذن دولت سریلانکا صورت گرفته بود، مداخله نامشروع محسوب گردید و با محکومیت روبرو شد (ممتاز و رنجبریان، ۱۳۸۶: ۱۴۴). در صورتی که دولتی به طور دائم با عبور آزادانه محموله‌ها مخالفت کند و اجازه رسیدن کمک‌ها به غیرنظامیان را ندهد، اجازه توسل به زور تنها در اختیار شورای امنیت سازمان ملل متحد است که ممکن است استمرار وضعیت را تهدید علیه صلح و امنیت بین‌المللی تلقی کند و به موجب فصل هفتم منشور اجازه توسل به زور دهد و یا برای رفع خطر از غیرنظامیان، جلوگیری از نقض حق حیات و یا حیثیت انسان‌ها و پیشگیری از بروز فاجعه انسانی در پرتو نظریه مسئولیت حمایت چنین اجاره‌ای را صادر کند.

اما پاره‌ای از نویسندگان تصریح کرده‌اند: «رویه نشان داده است که در صورت عدم عکس‌العمل از سوی جامعه بین‌المللی و امتناع دولت‌های آسیب‌دیده از پذیرش کمک‌های بین‌المللی، تلاش دولت‌ها برای توسل به زور یک جانبه اجتناب‌ناپذیر بوده است. چنین توسل به زوری نیز نمی‌تواند خالی از هر گونه مبنای حقوقی بوده، نامشروع تلقی گردد» (بیگ زاده، ۱۳۸۵: ۹۱).

«اگر امتناع از پذیرش کمک‌های بشردوستانه منجر به نقض فاحش و گسترده حقوق بشر یا حقوق بشردوستانه شود می‌توان حتی به زور نیز متوسل شد و با مداخله نظامی چنین کمک‌هایی به قربانیان ارائه نمود» (همان، ۹۰).

این سخن گرچه ظاهراً درست و انسان‌دوستانه به نظر می‌رسد، اما قابل تأمل است. اولاً، آنچه مداخله بشردوستانه و حمایت نظامی را موجه می‌سازد نقض فاحش حقوق بشر یا حقوق بشردوستانه است، نه امتناع یک دولت از پذیرش کمک‌های بشردوستانه. بر پایه نظریه جواز مداخله بشردوستانه و یا تعهد به حمایت نظامی از مردم تحت ستم، هر گاه نقض فاحش و نظام‌مند حقوق بشر رخ دهد، برای دولت‌ها این تعهد یا دست کم حق وجود دارد که برای نجات دادن مردمی که حقوق بنیادین آنان توسط دولت متبوعشان به طور فاحش نقض می‌شود، به زور نظامی متوسل شوند.

اما هر گاه در اثر امتناع یک دولت از پذیرش کمک‌های بشردوستانه نقض فاحش حقوق بشر یا بشردوستانه رخ دهد، بدین معناست که دولت امتناع‌کننده از گرسنگی دادن و به قحطی کشاندن مردم به عنوان روش جنگی بهره می‌گیرد و بنابراین مرتکب جنایت می‌گردد. چنین وضعیتی می‌تواند صلح و امنیت بین‌المللی را به مخاطره انداخته، اقدام نظامی شورای امنیت را به موجب فصل هفتم منشور ملل متحد موجه سازد، چنانکه امکان طرح مسئولیت کیفری فردی مرتکبان جنایت نزد دیوان بین‌المللی کیفری وجود دارد.

ثانیاً، فارغ از آن گرچه مشروعیت مداخله بشردوستانه موافقانی دارد، اما با مخالفان جدی نیز مواجه است و از سویی اثبات اینکه رویه و جاهت توسل به زور یک جانبه در چنین مواردی را نشان می‌دهد، قدری دشوار است.

ثالثاً، بر پایه نظریه «مسئولیت حمایت» که امروز به عنوان دکترین اعتبار فوق‌العاده یافته و به وسیله نهادهای حقوقی بین‌المللی نیز مورد عنایت قرار گرفته، توسل به نیروی نظامی در مقام حمایت از انسان‌ها و حقوق بنیادین آن‌ها مشروط به شرایط و متوقف بر طی مراحل است. بکارگیری زور نظامی اغلب اوضاع را وخیم‌تر می‌کند، بنابراین چنین مجوزی تنها باید به عنوان آخرین راه چاره صادر گردد.

## نتیجه‌گیری

در زمان بروز فجایع انسانی ناشی از حوادث طبیعی یا مخاصمات مسلحانه هر انسانی تعهد اخلاقی دارد به کمک انسان‌های نیازمند بشتابد. در این تعهد اخلاقی نه دین و مذهب تأثیری دارد، نه زبان و نژاد و نه تقاضا یا عدم تقاضای شخص نیازمند. تنها شرط لازم برای پدید آمدن چنین تعهدی آگاهی شخصی توانمند از نیاز هم‌نوع اوست. در فرهنگ و ادبیات دینی بر این تعهد اخلاقی تأکید شده است. در سوی مقابل کسانی که در شرایط جنگ و یا زلزله، سیل، سونامی و مانند آن نیازمند کمک‌اند، اخلاقاً مستحق دریافت مساعدت هستند. مسئله مهم این است که آیا چنین حقی چهره حقوقی دارد یا نه؟ اگر برای چنین حقی فراتر از چهره اخلاقی، ماهیت حقوقی قائل شویم، بی‌گمان می‌تواند به این نتیجه منتهی شود که دولت متبوع انسان‌های نیازمند در صورتی که خود نتواند نیازهای آنان را تأمین کند، مکلف به مطالبه و پذیرش کمک دولت‌های دیگر است.

در نظام حقوق بین‌الملل دولت‌ها تعهد حقوقی به ارائه کمک‌های بشردوستانه ندارند. در این فقدان تعهد حقوقی تفاوتی میان وضعیت مخاصمه مسلحانه و فجایع حاصل از سوانح و مصائب طبیعی وجود ندارد. اسنادی غیرالزامی ارائه چنین کمک‌هایی را توصیه می‌کنند که تأکیدی است بر تعهد اخلاقی دولت‌ها. اما دولت‌ها مطابق موازین حقوقی حق دارند با رعایت شرایطی کمک‌های بشردوستانه را به دولت نیازمند ارائه کنند. با رعایت چند شرط مهم کمک‌هایی که دولت‌ها در وضعیت اضطراری پیشنهاد آن را به دولت مضطر ارائه می‌کنند، ماهیت بشردوستانه می‌یابد؛ قصد و نیت بشردوستی، عدم جانبداری، بی‌طرفی و استقلال در ارائه کمک‌ها شرایطی است که به آن وصف بشردوستانه می‌بخشد. در عین حال هیچ دولتی بدون رضایت دولت دیگر نمی‌تواند به طور مستقیم کمک‌های بشردوستانه را به قربانیان و نیازمندان برساند. این مسئله هم انکارناپذیر است که دولتی که در سرزمین او به سبب مخاصمه مسلحانه و یا به علت بلایای طبیعی فجایع انسانی بروز کرده است، برای امتناع از پذیرش امداد و کمک‌های بشردوستانه آزادی مطلق ندارد. چه آنکه هر دولتی متعهد است برای همه کسانی که تحت صلاحیت آن هستند دسترسی به حداقل غذای ضروری را که به لحاظ تغذیه، کافی، مناسب و ایمن است تأمین کند و رهایی آنان از گرسنگی را تضمین نماید. چنانکه کمیته حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی تصریح کرده است بین نقض حق بر غذا و جلوگیری از دسترسی نیازمندان به کمک‌های انسان‌دوستانه در مخاصمات مسلحانه داخلی یا دیگر وضعیت‌های مشابه

پیوند محکمی برقرار است. بنابراین دولت بحران‌زده‌ای که به تنهایی نمی‌تواند از عهده رفع معضلات بر آید متعهد است از کمک‌های بشردوستانه استقبال کند و تا زمانی که این کمک‌ها به صورت بی‌طرفانه و بدون تبعیض ارائه می‌شود، به آن وصف مداخله نامشروع ندهد و از دریافت و ایصال آن به قربانیان و نیازمندان خودداری نکند. چنین دولت‌هایی همچنین ملزم هستند امکان فعالیت را برای سازمان‌های بین‌المللی غیردولتی فراهم کنند و به آنان اجازه دهند کمک‌های خود را به قربانیان در هر جایی که لازم است برسانند. کمیته بین‌المللی صلیب سرخ به درستی تعهد دولت‌ها به تسریع و تسهیل در ایصال کمک‌های بشردوستانه را قاعده عرفی قابل اعمال در درگیری‌های مسلحانه داخلی و بین‌المللی محسوب نموده است. امتناع از پذیرش امدادهای انسان‌دوستانه و ممانعت از رساندن آن به آسیب‌دیدگان به ویژه در وضعیت منازعات مسلحانه و نیز ممانعت عمدی از کمک‌رسانی بشردوستانه که خود زیرمجموعه گرسنگی دادن به جمعیت غیرنظامی به عنوان یک روش جنگی است در مخاصمات مسلحانه می‌تواند با تحقق شرایطی جنایت جنگی مشمول صلاحیت دیوان بین‌المللی کیفری تلقی گردد، چنانکه هدف قراردادن عمدی هیأت‌های امداد و کمک‌های بشردوستانه جنایت جنگی به شمار می‌رود.

شرط رضایت دولت هرگز به او حق نمی‌دهد که به دلخواه خود عمل کند و مانع کمک‌رسانی شود. در نتیجه اگر دولتی در حالی که خود نمی‌تواند نیازهای ضروری آسیب‌دیدگان را تأمین کند، از رضایت دادن امتناع ورزد، می‌توان با بکارگیری روش‌های مسالمت‌آمیز موافقت او را اخذ و یا به رساندن کمک مبادرت نمود. اما باید به خاطر داشت که امتناع حتی مداوم دولت از موافقت با عبور آزادانه کمک‌ها به هیچ روی موجبی برای توسل به زور مگر در چهارچوب فصل هفتم منشور ملل متحد نخواهد بود.

## منابع

### الف - فارسی

۱. آنتونی، پ؛ مالرب، پل؛ قواعد کاربردی حقوق مخاصمات مسلحانه، ترجمه کمیته ملی صلیب سرخ، تهران، امیرکبیر، ۱۳۸۲.
۲. بیگزاده، ابراهیم؛ جایگاه کمک‌های بشردوستانه در بلاای طبیعی و سوانح صنعتی در حقوق بین‌الملل، سالنامه ایرانی حقوق بین‌الملل و تطبیقی، ۱۳۸۵، شماره ۲.
۳. بیگزاده، ابراهیم؛ حبیبی مجنده، محمد؛ «بلاای طبیعی و حقوق بین‌الملل»، (ترجمه و تحقیق)، نشریه الهیات و حقوق، ۱۳۸۴، شماره‌های ۱۵ و ۱۶.

تعهد دولت‌ها به ارائه و پذیرش کمک‌های بشردوستانه ۴۳

۴. قربان‌نیا، ناصر؛ **حقوق بشر و حقوق بشردوستانه**، تهران، انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۹۰.
۵. کریون، متیو سی. آر؛ **چشم‌اندازی به توسعه میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی**، ترجمه محمد حبیبی مجنده، تهران، انتشارات دانشگاه مفید، ۱۳۸۷.
۶. ممتاز، جمشید؛ رنجریان، امیرحسین؛ **حقوق بین‌الملل بشردوستانه مخاصمات مسلحانه داخلی**، تهران، میزان، ۱۳۸۶.
۷. هنکرتز، ژان ماری؛ دو سوادیک، لوئیس؛ **حقوق بین‌الملل بشردوستانه عرفی**، ترجمه دفتر امور بین‌الملل قوه قضائیه ج.ا. ایران و کمیته بین‌الملل صلیب سرخ، مجمع علمی و فرهنگی مجد، ۱۳۸۷.
۸. کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو، ۱۹۴۹.
۹. پروتکل‌های دوگانه، ۱۹۷۷.
۱۰. اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری.

#### ب- عربی

۱۱. الحرالعالمی، محمد بن الحسن؛ **وسائل الشیعه**، نجف، مرتضویه، ۱۳۵۶ ه.ق.
۱۲. الكلینی الرازی، ابوجعفر محمد بن یعقوب بن اسحاق؛ **اصول الکافی**، دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۰۷ ه.ق.

#### ج- لاتین

13. Bedjaoui, Mohammed[ed.]; 1991, *International Law*, Achievement and Prospects, Martinus Nijhoff Publishers.
14. **Committee of Economic, Social and Cultural Rights**; 1999, General Comment no.12, The Right to Adequate Food, UNDOC, E/C.
15. **Committee of Economic, Social and Cultural Rights**; 2004, General Comment no.14, The right to the Highest Attainable Standard of Health, UNDOC, E/C.12/2004.
16. ICJ; 1986, *Military and para Military Activities in and against Nicaragua*, Nicaragua V. United States.
17. Joachim Heintze, Hans and Zwitter (eds); 2011, *International Law and Humanitarian Assistance*, Springer Heidelberg Dordrecht, London Newyork.
18. Rottensteiner, Christa; 1999, **The Denial of Humanitarian Assistance**, as a Crime under International Law, International Review of Red Cross, No. 835.
19. Sandoz, Yves, Swinarki, Christophe and Zimerman, Bruno(eds); 1987, **Commentary on the Additional Protocols of 1977**, ICRC, Martin-Nijhof.

20. Spieker, Heike; 2011, *The Right to Give and Receive Humanitarian Assistance*, in Hans Joachim Heintze and Zwitter(eds): International Law and Humanitarian Assistance, London, Newyork.
21. **United Nations General Assembly Resolution**, H 6/182/19 December 1991.
22. **United Nations General Resolution**, 57/217, 18 December 2002.
23. Alex Bellamy and Paul Williams; 2009, **Protecting Civilians in Civil Wars**, Australia Asia-Pacific Centre For the Responsibility to Protect.
24. UNGA Resolution 60/1; **World Summit outcome Document**.